



اصلی اداره کشور را در نظر بگیرید، سپس متناسب با آن تصمیم‌گیری کنید. نگاه من به مکاتب اقتصادی از ابتدا بر این پایه استوار بوده است. اگر شما به مقالات بنده در نشریات مختلف هم رجوع کنید مؤید این نکته است. در پاییز ۸۶ زمانی که هنوز وزیر اقتصاد هم نشده بودم در فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، مقاله‌ای تحت عنوان «تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران» نوشته بودم که همین مباحث در آنجا نیز مورد تأکید من بوده است. کما اینکه ۵ سال در اواخر دوران حضورم در وزارت اقتصاد، کتابی را تحت عنوان «نقش و جایگاه دولت در اقتصاد، از نظریه تا عمل» به اتفاق دو نفر دیگر نوشتم که به همان موارد قبل اشاره داشت. برای من خیلی عجیب است که بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که به نوعی منشور اداره اقتصاد کشور محسوب می‌شود همچنان عده‌ای طرح دادن در باب ساختار اقتصاد ایران نقل محافل‌شان است. در مجموع در یک تقسیم‌بندی کلی معتقدم که هیچ‌گاه اقتصاد ایران، نه کاملاً دولتی به معنای سوسیالیستی و نه کاملاً آزاد بوده است.

#### ● حتی در زمان جنگ؟

هیچ موقع. در زمان جنگ هم بخش قابل توجهی از کالاها و خدمات توسط بخش غیردولتی، تولید، توزیع و در بازار آزاد قیمت‌گذاری می‌شد و ما می‌توانستیم در بازار آزاد آن کالا و خدمت را تهیه کنیم. در واقع ما دارای یک اقتصاد مختلط بودیم، به این مفهوم که در یک بخشی از اقتصاد ما تخصیص منابع و قیمت‌گذاری، در اختیار دولت قرار داشت و در یک بخش دیگر هم توسط بازار قیمت‌گذاری می‌شد. همیشه بخشی از فعالیت‌های اقتصادی ما در مالکیت دولت و بخشی در مالکیت بخش خصوصی قرار داشته است. ما قطعاً در حوزه تجربیات بین‌المللی در بخش سوسیالیست دارای تجربیاتی هستیم. در دنیا کشورهایی وجود دارند که کاملاً سوسیالیستی شده و مالکیت خصوصی را نفی کرده‌اند، ولی در هیچ‌کجا سراغ نداریم که دولت هیچ مالکیتی از خود نداشته باشد. منتها در همین طیف اقتصاد مختلط، مهم این است که چه نسبتی از اداره امور در اختیار دولت و چه نسبتی در اختیار بخش غیردولتی قرار دارد. به عبارتی اگر ما یک حد را، اقتصاد بازار و یک حد مقابل را اقتصاد سوسیالیسم در نظر بگیریم، در بین این‌ها، اقتصادهای مختلط یا میکس قرار دارند که از لحاظ کمی دارای شمارش و گستردگی بیشتری هستند. اینکه ساختار اقتصاد مدنظر شما دولت - بازار به معنای گرایش بیشتر به دولت یا بازار - دولت به معنای گرایش بیشتر به بازار باشد، دارای درجات متفاوتی است. تا قبل از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از جمله در زمان جنگ، ساختار اقتصاد ایران، دولت - بازار بود. یعنی بخش عمده‌ای از فعالیت‌ها، مالکیت‌ها و مدیریت‌های موجود در حوزه اختیارات دولت بود. البته نگاه اولیه به قانون اساسی، وجود ساختار دولت - بازار در اقتصاد ایران را در ذهن متبادر می‌کند. اما به نظر من سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی آمده تا این ساختار را به سمت بازار - دولت متمایل کند که قطعاً بنده این تحول در اقتصاد ایران را قبول دارم. سال ۸۶ یا ۸۷ زمانی که بنده به عنوان وزیر، در دولت حضور نداشتم، در جلسه‌ای که بین

آیت‌الله هاشمی شاهرودی، علی لاریجانی و دکتر احمدی‌نژاد به عنوان رؤسای سه قوه تشکیل شد، برای تشریح طرح تحول اقتصادی حضور پیدا کردم. من در آنجا به سران قوا تأکید کردم که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی همان منشور یا سیستم اقتصادی است که ما می‌خواهیم کشور را بر اساس آن اداره کنیم. چرا که این سیاست‌ها جایگاه و میزان حضور بخش خصوصی، دولتی و تعاونی‌ها را در اقتصاد ایران مشخص کرده است. ضمن اینکه هر کدام از اقتصاددانان که در حوزه مدیریت اقتصاد وارد شده‌اند در عمل مجبور شده‌اند، بر اساس واقعیت‌های موجود و با تعدیل گرایش‌های فکری‌شان راهکار ارائه بدهند. همین بسته خروج از رکود در دولت یازدهم را کسانی که مشهورند به دیدگاه‌های نئوکلاسیک لیبرال نوشته‌اند.

ولی همین افراد وقتی در خصوص وضعیت امروز اقتصاد ایران صحبت می‌کنند از تقاضای مؤثر حرف می‌زنند. گرچه وقتی این مسأله را مطرح می‌کنند به قول خودشان مراقب هستند تا منجر به خروج توری از رکود نشود، اما واقعیت این است که وقتی به مباحث این دسته از افراد وارد می‌شویم، می‌بینیم که چون اصل تقاضای مؤثر را پذیرفته‌اند تحریک اقتصاد نیز از سوی این افراد پذیرفته شده است که مبنای اقتصاد کینزی دارد.

#### ● این سؤال را به این دلیل می‌پرسم که برخی معتقدند

تفکرات اقتصادی احمدی‌نژاد در سال ۸۴ بیشتر به طیف اقتصاد اسلامی و افرادی نظیر پرویز داوودی نزدیک‌تر بود تا به شما. اما به یکباره شخصی مانند شمس‌الدین حسینی و دوستان او که شاید هم، خیلی همفکر محمود احمدی‌نژاد بودند، وارد تیم اقتصادی دولت می‌شوند و اثرگذاری به مراتب بیشتری از تیم قبلی نزد احمدی‌نژاد پیدا می‌کنند.

من در گذشته به آقای احمدی‌نژاد گفته‌ام و امروز به شما می‌گویم، کار دولت‌ها تئوری‌پردازی نیست. اصلاً به نظر من قانون اساسی ما به دولت‌ها اجازه تئوری‌پردازی نداده است. اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی چهارچوب اداره امور اقتصادی کشور را مشخص کرده است.

البته در بالا اشاره کردم که در نگاه اولیه، اصل ۴۴ قانون اساسی ما یک چپ‌نیش نهادی یا ساختاری دولت - بازار را به ذهن متبادر می‌کند. سال‌های اولیه پس از انقلاب، دوره جنگ و حتی سال‌های اولیه پس از جنگ، نگاه غالب همین سلطه مالکیت و مدیریت دولتی در اقتصاد بود، اما این برداشت از اصل ۴۴ قانون اساسی مشکل‌ساز بود. خب قانون اساسی راه را برای حل مشکل بازگذاشته است، لذا با توجه به اختیارات پیش‌بینی شده برای رهبری به عنوان بالاترین مقام نظام، این اصل تفسیر شد. رهبری با مشورت مجمع تشخیص قرائت جدیدی از این اصل را ارائه کردند که حالا بر اساس این قرائت جدید، بنده می‌توانم به صراحت بگویم نظریه بازار - دولت، یک نظریه نهادی در اقتصاد ایران است. از این رو هیچ دولتی در این حوزه نیاز به نظریه‌پردازی ندارد؛ نظریه پایه روشن است. دولت‌ها برای اجرای این چهارچوب بر سرکار می‌آیند، پس نمی‌توانند بگویند به قانون اساسی و اصل ۴۴ کاری نداریم، بلکه می‌خواهیم نظریه‌پردازی



اینکه ما بیایم در کنار قانون اساسی جمهوری اسلامی و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که توسط رهبری ابلاغ شده است، یک برنامه اقتصاد اسلامی

مجزا هم بنویسیم، یک اشتباه است و من این را قبول ندارم. بنده معتقدم این یک اشتباه بزرگ است که عده‌ای بر این باورند که ما باید برای کشور یک برنامه اقتصاد اسلامی مستقل از مصوبات قانونی موجود و قانون برنامه توسعه که سیاست کلی آن توسط ولی فقیه ابلاغ می‌شود و مصوبات مجلس شورای اسلامی که به تفاهات فقهی می‌رسد داشته می‌رسد داشته باشیم. من این را قبول ندارم، چرا که ما یک اقتصاد داریم نه دو اقتصاد. تنها کاری که باید صورت بگیرد این است که در چهارچوبی که اتفاقاً بر اساس شرع مبین اسلام نوشته شده است احکام را تبیین، شفاف‌تر و عملیاتی‌تر کنیم. به عنوان مثال برای بکارگیری عقود اسلامی بانکی و مالی، ملاحظات و پیگیری بیشتری را باید لحاظ کرد که نه تنها در حوزه بانکی، بلکه در بازار سرمایه تلاش‌های فراوانی شد



#### برجسب زدن به افراد درست نیست

بنده این دسته‌بندی‌هایی را که در ایران ارائه می‌شود و به سادگی به افراد برجسب نهادگرایی یا بازارگرایی و... می‌زند قبول ندارم. اینکه کسی طرفدار این باشد که اقتصاد ایران را با تثبیت دستوری قیمت‌ها و یا توزیع کوپن اداره کند و اسم خودش را نهادگرا یا عدالت‌گرا بگذارد، قابل قبول نیست. من این اختلاط را قبول ندارم، وگرنه دسته‌بندی مکاتب فکری در اقتصاد مشخص است. همه کسانی که اهل تفکر و تغفل در اقتصاد هستند می‌دانند که بجز برخی معدود کشورهای کمونیستی هیچ مکتبی در هیچ‌کجای دنیا به صورت کامل اجرا نشده است. بنده از شما به عنوان یک دانش‌آموخته اقتصاد سؤال می‌کنم به نظر شما سبمل اقتصاد بازار در دنیا کدام کشور است؟

کنیم. به نظر شما سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برخلاف احکام اقتصاد اسلامی است؟ اصلاً کسانی که دم از اقتصاد اسلامی می‌زنند آیا خود را جلوتر از ولی فقیه می‌دانند؟ آیا ما می‌توانیم بگویم که چون سیاست‌های اصل ۴۴ در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است و آقای هاشمی رفسنجانی ریاست مجمع را برعهده داشته پس این سیاست‌ها خلاف اقتصاد اسلامی است! اگر ما بخواهیم بین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و اقتصاد اسلامی تفاوت قائل باشیم باید بتوانیم به سؤالات مذکور نیز پاسخ دهیم. البته دکتر احمدی‌نژاد به عنوان رئیس دولت‌های نهم و دهم تلاش داشت که احکام اقتصاد اسلامی را شفاف‌تر و عملیاتی‌تر کند. اگر منظور شما این باشد، بنده نه تنها همراه، بلکه همیشه پیگیر نیز بوده‌ام. حتی اگر یادتان باشد زمانی که ما طرح تحول اقتصاد را ارائه کردیم، من گفتم «سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مانند سنگ بناست». چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴، مطلوب ما است، اما برای رسیدن به آن صرفاً وجود یک سنگ بنا و چشم‌انداز کافی نیست. بلکه این مسیر باید طی شود. اجرای طرح تحول اقتصادی، راهبرد پیمودن این مسیر است. به نظر شما آیا ما در طرح تحول اقتصادی وقتی که در مورد هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها صحبت می‌کردیم به دنبال اجرای عدالت نبودیم؟ یا بعد از اجرای هدف‌مندی، توزیع منابع و درآمد و به تبع آن وضعیت عدالت اقتصادی در کشور بهبود پیدا نکرد؟ آیا بهبود عدالت در مسیر اقتصاد اسلامی نیست؟ آیا در واگذاری سهام عدالت که یک مسأله کاملاً قانونی بود اجرای عدالت صورت نگرفت؟ یا در موضوع هدف‌مندی یارانه‌ها که یک بازتوزیع صورت گرفته و هم توزیع عادلانه ثروت و

هم توزیع عادلانه درآمد در دستور کار بوده است خلاف عدالت اتفاق افتاده است؟! تلاش دولت‌های نهم و دهم در چند سال اخیر در بحث بانکداری اسلامی، طرح تحول نظام بانکی و اصلاحیه‌هایی که در زمینه مالیات‌ها و گمرک صورت گرفت بر کسی پوشیده نیست. ضمن اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند این ادعا را داشته باشد که مجموعه قوانین و اقداماتی که در گمرک، مالیات و... در کشور صورت گرفت برخلاف مالیه اسلامی یا اقتصاد اسلامی است. تمام این قوانین در شورای نگهبان به تصویب رسیده است. من از شما سؤال می‌کنم کسانی که این مسائل را مطرح می‌کنند آیا درجه فقاقت بیشتری نسبت به فقهای شورای نگهبان دارند؟ اینکه ما بیایم در کنار قانون اساسی جمهوری اسلامی و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که توسط رهبری ابلاغ شده است، یک برنامه اقتصاد اسلامی مجزا هم بنویسیم، یک اشتباه است و من این را قبول ندارم. بنده معتقدم این یک اشتباه بزرگ است که عده‌ای بر این باورند که ما باید برای کشور یک برنامه اقتصاد اسلامی مستقل از مصوبات قانونی موجود و قانون برنامه توسعه که سیاست کلی آن توسط ولی فقیه ابلاغ می‌شود و مصوبات مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای نگهبان می‌رسد داشته باشیم. من این را قبول ندارم، چرا که ما یک اقتصاد داریم نه دو اقتصاد. تنها کاری که باید صورت بگیرد این است که در چهارچوبی که اتفاقاً بر اساس شرع مبین اسلام نوشته شده است احکام را تبیین، شفاف‌تر و عملیاتی‌تر کنیم. به عنوان مثال برای بکارگیری عقود اسلامی بانکی و مالی ملاحظات و پیگیری بیشتری را باید لحاظ کرد که نه تنها در حوزه بانکی، بلکه در بازار سرمایه تلاش‌های فراوانی شد.



برنامه‌های توسعه، وزارت‌خانه‌ها را اداره کنیم. ضمن اینکه بنده برخی از مسائل را بازی با واژه‌ها و کلمات می‌دانم. برای مثال تعدادی از اقتصاددانان یا فعالان اقتصادی در کشور وجود دارند که اگر سابقه آنها را بررسی کنیم، تفکرات شدید چپ اقتصادی و یا حتی گرایش به احزابی چون حزب توده به وضوح در کارنامه آنان دیده می‌شود. این افراد امروزه خودشان را مقابل اقتصاد بازار می‌دانند، اما از آنجا که نمی‌توانند مواضع چپ خود را با صراحت اعلام کنند، به دنبال اردوگاه‌های جدیدی می‌گردند. از این رو برخی از این افراد خود را نهادگرا معرفی می‌کنند، در حالی که به هیچ‌وجه نهادگرا نیستند. باید بین اقتصاد بازار و اقتصاد نهادگرا تفکیک قائل شد. کما اینکه اصلاً اقتصاد نهادگرا نیز با ادعای انجام این کار به وجود آمده است. اما نهادگرایی جدید سازگار بازار را قبول دارد، اما معتقد است که باید نقش‌های آن برطرف شود.

#### ● یعنی اصلاً شما این

تقسیم‌بندی‌های فکری را قبول ندارید؟

بنده این دسته‌بندی‌هایی را که در ایران ارائه می‌شود و به سادگی به افراد برجسب نهادگرایی یا بازارگرایی و... می‌زند قبول ندارم. اینکه کسی طرفدار این باشد که اقتصاد ایران را با تثبیت دستوری قیمت‌ها و یا توزیع کوپن اداره کند

#### متولی تولید و توزیع کالا کیست؟

متأسفانه عده‌ای خیلی راحت افراد را تقسیم‌بندی می‌کنند که این، یکی از آسیب‌های موجود در اقتصاد ایران است. زمانی می‌توانیم روی چهارچوب عقاید افراد تمرکز کنیم که بحث بر سر پاسخ‌های مکاتب اقتصادی برای حل مسائل اقتصادی پیش بیاید. برای مثال وقتی سؤالات پیش‌یافته، اما مهمی مانند اینکه متولی تولید و توزیع کالا کیست؟ مطرح می‌شود، برای پاسخ به این سؤالات، دسته‌بندی مکاتب و طرفداران مکاتب کار دشواری است و قطعاً به راحتی تقسیم‌بندی‌هایی که شما می‌بینید، نیست